

مقدمه

اصل شصتم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، برای ریاست قوه مجریه با ترتیب خاص و شاید بی سابقه، قایل به ارکان سه گانه (رهبری، ریاست جمهوری و دولت) بود. وجود دو نهاد مجزای «ریاست جمهوری» و «دولت» از همان آغاز برای جامعه مسئله ساز و مشکل آفرین شده بود. این دو نهاد، هم از لحاظ تفکیک صلاحیت‌ها و هم از لحاظ برخورد صلاحیت‌ها و همچنین از نظر سلسله مراتب نمی توانست وافی به مقصود و کارساز باشد. اشکالات عملی گوناگون در خصوص نبود تناسب میان موقعیت مهم رئیس جمهور با اختیارات وی، در نصب و عزل وزیران، در مصوبات، تصمیم‌ها و سیاست‌ها و ناهماهنگی در قوه مجریه کاملاً مشهود بود، به گونه‌ای که جز اصلاح اصول برای تأسیس مدیریت قوه مجریه منسجم و هماهنگ راه دیگری به نظر نمی رسید. در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، پست «نخست وزیری» کاملاً حذف شد و اصل شصتم بدین صورت اصلاح گردید: «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراست» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۶۶).

یکی دیگر از اصولی که در جریان بازنگری سال ۱۳۶۸ تغییر یافته اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی است. به متن اصل سابق توجه کنید تا در مقایسه و شناخت فلسفه تغییر، متوجه شوید که از یک منبع سرچشمه گرفته است. اصل سابق خلاصه تر می گفت: «هرگاه رئیس جمهور لازم بداند جلسه هیأت وزیران در حضور او، به ریاست وی تشکیل می شود».

در نظام قبلی، که قوه مجریه عملاً دو رئیس داشت، ریاست هیأت وزیران به عهده نخست وزیر بود و بیشتر تصمیمات توسط وی قطعی و نهایی می شد. ناچار به رئیس جمهور حق داده شده بود هرگاه لازم می داند جلسه هیأت وزیران به ریاست وی و در حضور او تشکیل شود تا بتواند مطلب خود را منتقل و به اجرا نزدیک کند. اما در نظام بازنگری شده که پست «نخست وزیری» حذف شد و تمام مسئولیت به عهده رئیس جمهور گذارده شد، به سبب وسعت کار، به وی اجازه داده شد که بتواند با تصویب هیأت وزیران، فرد یا افرادی را به عنوان نماینده ویژه منصوب نماید (یزدی، ۱۳۷۵، ص ۶۰۵).

در این خصوص، سؤالاتی مطرح است، به ویژه باید به دو سؤال مهم پاسخ داد. اولاً، آیا می توان وزیران را به عنوان نماینده یا نمایندگان ویژه تعیین کرد؟ ثانیاً، آیا صلاحیت نظارت سیاسی مجلس شورای اسلامی در خصوص تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهوری قابل اعمال است؟

بررسی جایگاه نمایندگان ویژه رئیس جمهور در نظام حقوقی ایران

vrostami@ut.ac.ir

ولی رستمی / دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

a.tanavar@yahoo.com

آتنا تناور / کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دریافت: ۱۳۹۳/۷/۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۹

چکیده

طبق اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی، «رئیس جمهور می تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود». این اصل منشأ حقوقی وجود پست «نمایندگی ویژه رئیس جمهور» در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به مذاکرات صورت گرفته در شورای بازنگری قانون اساسی، دغدغه اصلی پیشنهادکنندگان اصل مزبور این بوده که رئیس جمهور بتواند در صورت ضرورت، با تصویب هیأت وزیران، بخشی از اختیارات خود و یا چند وزیر را به یک شخص تفویض نماید تا وی بتواند با اعمال نوعی مدیریت واحد، موجب تسریع در انجام امور خاص شود. مسلماً وجود «ضرورت» لازمه این امر است و نباید نمایندگی ویژه، خود مرکزی جایگزین و یا در مقابل وزارتخانه‌ها و یا نهادهای قانونی محسوب گردد. همچنین اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی اطلاق داشته و شرط خاصی را برای انتخاب به این سمت در نظر نگرفته است.

کلیدواژه‌ها: نماینده، رئیس جمهور، اصل، قانون تفویض، اختیار.

برای پاسخ به این سؤالات، ضوابط تعیین و مدت اعتبار صلاحیت نماینده ویژه، ارتباط بین رئیس جمهور و نماینده ویژه از منظر حقوق اداری، نظارت بر نماینده ویژه، و نتایج مثبت و منفی حاصل از سپردن امور به نمایندگان ویژه رئیس جمهور بررسی شده است.

ضوابط تعیین نماینده ویژه

با توجه به نص صریح اصل ۱۲۷ قانون اساسی، تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه منوط به اراده تعیینی رئیس جمهور در مرحله اول، و تصویب هیأت وزیران در مرحله دوم است. بنابراین، اراده رئیس جمهور در این خصوص، به تنهایی کفایت نمی‌کند و تصویب هیأت وزیران به‌عنوان شرط تمام‌کننده آن لازم است.

مسئله دیگر ضوابط مربوط به ویژگی‌های لازم برای نماینده یا نمایندگان ویژه است. سؤالاتی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا نماینده ویژه باید از بین مستخدمان دولت باشد و یا هر کس را به تناسب موضوع می‌توان به این پست منصوب نمود؟ آیا می‌توان وزیران و یا ترکیبی از آنان با غیر وزیران را به‌عنوان نماینده یا نمایندگان ویژه تعیین کرد؟ و آیا این امر صرفاً در خصوص اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی را دربر نمی‌گیرد؟

اصل یکصد و بیست و هفتم از حیث «ناظر بودن به موضوعات خاص و بر حسب ضرورت» نشانگر وجود وضعیتی غیرعادی است و وضع هرگونه محدودیتی بی‌سبب، در شرایط مذکور خواسته قانون اساسی نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد نمی‌توان برای این موضوع، شرط خاصی - غیر از شرایط ناظر به صلاحیت‌های کلی نماینده - از حیث مستخدم دولت بودن یا نبودن یا دارا بودن پست‌های مشخص سیاسی یا مدیریتی تعیین کرد. از سوی دیگر، اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی در این زمینه اطلاق دارد و شرط خاصی را برای انتخاب به این سمت در نظر نگرفته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). به‌عبارت دیگر، با مراجعه به متن قانون اساسی با سکوت قانونی در این خصوص مواجهیم. چنین سکوتی، به‌ویژه توسط قانون‌گذار اساسی، می‌تواند مؤید این فرضیه باشد که قانون‌گذار اساسی با سکوت خویش، در مقام بیان و درصدد نفی هرگونه ضابطه خاص برآمده است و نتیجه چنین وضعیتی این خواهد بود که قانون‌گذار با سکوت خویش، در این خصوص، خواسته است دست مسئولان امر را در انتخاب شخص مناسب باز بگذارد تا آنها اهداف غایی اصل ۱۲۷ را بهتر برآورده سازند (لطفی، ۱۳۹۲، ص ۶۰۹).

تردید در این باره که آیا می‌توان وزیران را به این سمت منصوب نمود یا نه، ناشی از صعوبت در تفکیک اقدامات آنان به‌عنوان وزیر و به‌عنوان نماینده ویژه است که این امر، مسئولیت آنان را در برابر مجلس متزلزل می‌سازد. هرچند ضمن اصل یکصد و بیست و هفتم این امر منع نگردیده است، با این حال، نباید فراموش نمود که تعیین نماینده ویژه و احراز «موارد خاص»، که ضرورت آن را در دستور قرار می‌دهد، یک وضعیت استثنایی است و باید موارد و موجبات آن را مشابه ورود استثنا بر اصل تفسیر نمود. همچنین در خصوص اختیارات متصدیان مناصب عمومی نیز اصل بر فقدان حق تفویض اختیار و گرفتن نایب و نماینده است. بنابراین، باید اصل بر این نهاده شود که رئیس جمهور و هیأت وزیران نمی‌توانند از بین خود نماینده یا نمایندگان ویژه تعیین کنند.

در عمل، علاوه بر اینکه وزیران به‌عنوان نمایندگان ویژه تعیین شده‌اند، گاهی اختیارات خاص وزارتخانه یا مؤسسات دولتی به نمایندگان ویژه تفویض شده است. ستاد موسوم به «پشتیبانی تنظیم بازار»، که از طریق تصویب‌نامه شماره ۴۰۲۱۴/ت، مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۳ ایجاد شده، عهده‌دار وظایفی از قبیل تأمین و توزیع کالاهای اساسی، فراهم کردن تسهیلات کافی برای واردات کالا و مانند آن گردیده و ضمن مصوبه مزبور، تصریح شده است: «... کلیه وظایف و اختیارات رئیس جمهور و هیأت وزیران در امور یادشده به ستاد متشکل از نمایندگان ویژه رئیس جمهور تفویض می‌شود». این هیأت از وزیران نفت، بازرگانی، کشور، دادگستری، جهاد سازندگی، کشاورزی، معادن و فلزات، امور اقتصادی و دارایی، صنایع و رئیس کل بانک مرکزی و معاون اجرایی رئیس جمهور تشکیل گردیده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ستاد مزبور در واقع، یک هیأت فرعی و یا یک هیأت وزیران ثانویه‌ای است که امکان استیضاح و برکناری آن به لحاظ تصمیماتی که در این هیأت ثانویه اتخاذ نموده‌اند، مردد است (شریف، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵).

آیا می‌توان اشخاص حقوقی را نیز به سمت مذکور تعیین نمود یا این امر منحصر در اشخاص حقیقی است؟ در این باره، پاسخ راه‌گشایی از مذاکرات شورای بازرگری قانون اساسی، تفاسیر شورای نگهبان و نظریات حقوق دانان احراز نمی‌شود، اگرچه اطلاق عبارت «نماینده یا نمایندگان ویژه» در اصل یادشده، از لحاظ حقوقی و معنایی ظهور مصداقی در هر دو نوع شخص مذکور دارد، اما نگاهی به سوابق مصوبات مربوط به این اصل، بیانگر آن است که ظهور مصداقی آن در

اشخاص حقیقی خلاصه شده است. علاوه بر آن، ذیل اصل مذکور، همخوانی بیشتری با این برداشت دارد؛ زیرا اتخاذ تصمیمات در شرایط ضرورت، خود مؤید وضعیت خاصی است که نیازمند تدابیر فوری و سریع است. البته چنین تصمیماتی توسط شخص حقیقی زودتر از یک شخص حقوقی قابل اتخاذ است (لطفی، ۱۳۹۲، ص ۶۱۰).

باید اضافه کرد با توجه به تعریف قانونی «شغل»، پست نمایندگی ویژه دارای تمامی ویژگی‌های مذکور در تعریف نیست و از این رو، انتخاب مستخدمان دولتی به‌عنوان نماینده ویژه (از حیث ممنوعیت تجمع مشاغل موضوع اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی) بدون اشکال قلمداد می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱).

مدت اعتبار صلاحیت نماینده ویژه

با توجه به ماهیت حقوقی اعطای صلاحیت به نماینده ویژه رئیس جمهور، که بنا بر استدلالی که در بند بعدی خواهد آمد، در شمار تفویض اختیار رئیس جمهور و هیأت وزیران قرار می‌گیرد و با عنایت به ماهیت حقوقی تفویض اختیار، مدت اعتبار صلاحیت نماینده ویژه محل بحث است.

در حالت کلی، چون تمام مقامات و پست‌ها به اعتبار نقشی که در خدمات عمومی دارند، ایجاد شده‌اند و خدمات یا امور عمومی تعطیل‌بردار نیستند، بدین‌روی، تا زمانی که مقام اداری یا پست ثابت سازمانی وجود دارد، اختیاراتی که به واسطه این موقعیت اداری تفویض شده، به قوت خود باقی است، خواه این مقام یا پست سازمانی، متصدی داشته باشد یا نداشته باشد (امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۰).

در نتیجه، اقتضای اصل «خدمت عمومی» این است که در صورت وقوع مرگ، برکناری، استعفا یا اتمام دوره مقام تفویض‌کننده، صلاحیت تفویض شده مقامات اداری، باقی خواهد ماند.

اما باید توجه داشت چنانچه هر یک از حالات مزبور برای مقام تفویض‌کننده صلاحیت نماینده ویژه، که رئیس جمهور است، واقع شود، نماینده ویژه دیگر صلاحیتی نخواهد داشت؛ زیرا پس از مرگ، برکناری، یا استعفای رئیس جمهور، به موجب اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی، معاون اول رئیس جمهور، اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد.

در خصوص مدت اعتبار تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور، جناب آقای حسن حبیبی، معاون اول رئیس جمهور وقت، در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۷۶ سؤالی را با این مضمون برای شورای نگهبان مطرح نمود:

نظر به اینکه از زمان پایان یافتن دوره ریاست جمهوری تا معرفی وزرا به مجلس و اخذ رأی اعتماد، با توجه به سابقه، فاصله چند هفته‌ای وجود دارد و در این مدت، چگونگی تصدی امور وزارتخانه‌ها و اعتبار تصمیمات هیأت وزیران و مقاماتی که به نمایندگی از ریاست جمهوری مسئولیت یافته‌اند محل سؤال است، لطفاً نظر تفسیری آن شورا را نسبت به اصول قانون اساسی در موارد زیر اعلام فرمایند:

۴. کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور، که به استناد اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی انتخاب شده‌اند، در این مدت نافذ است؟ یا صرفاً تصمیماتی که در حکم تصمیم هیأت وزیران باشد اعتبار خواهد داشت؟

شورای نگهبان در پاسخ، نظریه تفسیری خود را بدین شرح اعلام نمود: «... ۴. کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور، که به استناد اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی انتخاب شده‌اند، در این مدت نافذ نمی‌باشد...».

از این رو، با وقوع هر یک از حالات مزبور، چون معاون اول رئیس جمهور و وزرای دولت قبلی به انجام خدمت عمومی پرداخته‌اند و این امور تعطیل نمی‌گردد، علتی برای ادامه فعالیت نماینده ویژه پس از وقوع هر یک از حالات مذکور، وجود ندارد. همچنین بند «۴» نظر تفسیری مزبور که بیان می‌کند: «کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی انتخاب شده‌اند، در این مدت نافذ نمی‌باشد»، با توجه به نکات مزبور قابل توجیه به نظر می‌رسد. در نهایت، پس از مرگ، برکناری، استعفا یا اتمام دوره مقام تفویض‌کننده صلاحیت نماینده ویژه، این صلاحیت پایان یافته تلقی می‌گردد.

نکته دیگر درباره مدت اعتبار صلاحیت نماینده ویژه، اینکه چنانچه در مصوبه هیأت وزیران مدت اعتباری برای سمت نماینده ویژه ذکر شده باشد، با پایان یافتن آن، این سمت نیز پایان یافته تلقی می‌شود. اما در حالتی که مدتی در مصوبه هیأت وزیران ذکر نشده باشد، اعتبار صلاحیت به میزان دوام «موضوع خاص» و تا زمانی که «ضرورت» باقی باشد وابسته است و تشخیص این امر به عهده مراجعی است که نماینده ویژه را منصوب کرده‌اند؛ یعنی رئیس جمهور و هیأت وزیران.

ارتباط بین رئیس جمهور و نماینده ویژه از منظر حقوق اداری

در حقوق اداری، اصل بر این است که متصدیان امر عمومی حق واگذاری وظایف و اختیارات خود را به دیگری ندارند (اصل عدم حق واگذاری اختیارات). واگذاری اختیارات در دو قالب حقوقی صورت

می‌گیرد: یکی به شکل «تفویض اختیار» است که در آن، مقام اداری با اراده خود (به صورت ارادی) اختیار خود را واگذار می‌کند. طریق دیگر «کفالت اداری» است که به صورت غیر ارادی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، این حالت تابع اراده مقام اصلی دارای اختیار نیست، بلکه به حکم قانون انجام می‌پذیرد (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸).

صحت تفویض اختیار دارای شروط ذیل است:

- باید صریح و کتبی باشد.

- اختیارات اساسی و قایم به شخص، قابل تفویض نیست؛ مانند قسم خوردن رئیس جمهور در مجلس به موجب اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی.

- فقط بخشی از اختیارات قابل واگذاری است و نمی‌توان تمام اختیارات را به دیگری واگذار نمود؛ زیرا واگذاری تمام اختیارات در حکم استعفاست.

تفویض اختیار دارای آثار حقوقی ذیل است:

- مقام تفویض‌کننده هر زمان که اراده کند، می‌تواند اختیارات تفویض شده را باز پس بگیرد.

- تفویض اختیار موجب سلب مسئولیت از مقام تفویض‌کننده نمی‌شود.

- اصل بر شخصی بودن اختیارات است. بنابراین، تفویض اختیار یک امر استثنایی است. تفویض اختیار به اعتبار مقام و پست تفویض‌کننده انجام می‌گیرد، نه به اعتبار شخص حقیقی تفویض‌کننده (سنجابی، بی تا، ص ۵۶).

بنابراین، تا زمانی که مقام اداری یا پست سازمانی وجود دارد، اختیاراتی که به واسطه این موقعیت اداری تفویض شده، به قوت خود باقی است و فوت یا عزل یا استعفا مقام تفویض‌کننده اختیار سبب لغو اختیارات تفویضی نمی‌شود.

در برابر مفهوم «تفویض اختیار»، «کفالت اداری» قرار دارد. اصولاً «کفالت اداری» در غیاب متصدی اصلی مقام و به صورت موقت محقق می‌شود.

«کفالت اداری» با «تفویض اختیار» از جهات ذیل متفاوت است:

- از نظر مبنا، تعطیل‌ناپذیری و استمرار خدمات عمومی مبنای کفالت اداری است، درحالی‌که کاهش اختیارات و پیش‌گیری از تمرکز قدرت در دست یک نفر مبنای تفویض اختیار است.

- تفویض اختیار با اراده مقام اصلی بالاتر صورت می‌گیرد، درحالی‌که کفالت اداری به حکم قانون‌گذار انجام می‌گیرد؛ یعنی کفیل تنها وقتی منصوب می‌شود که قانون پیش‌بینی کرده باشد.

- در تفویض اختیار، برخی از اختیارات قابل واگذاری است و واگذاری کل اختیارات باطل است، درحالی‌که در کفالت اداری، اصل بر این است که کفیل اداری تمام وظایف و اختیارات متصدی اصلی را بر عهده دارد، مگر اینکه قانون موضوعاتی را استثنا کرده باشد (امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

چنانچه به موجب قانون، به مأموری غیر از وزیر، اختیاراتی داده شود، اختیارات مزبور اصلی محسوب می‌شوند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

منصوص اصل یکصد و بیست و هفتم اشاره مستقیمی به ماهیت اعطای صلاحیت ندارد؛ اما آنچه از مفهوم عبارت «در حکم تصمیمات رئیس جمهوری و هیأت وزیران» بودن تصمیمات نماینده ویژه و همچنین برخی عبارات در مشروح مذاکرات مجلس بازنگری قانون اساسی، می‌توان به دست آورد، این است که دستور این اصل نه تنها از «تفویض اختیار» رئیس جمهور سخن می‌گوید، بلکه درباره «تفویض اختیار» هیأت وزیران نیز خواهد بود (رضایی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸-۱۱۹). به نمونه‌ای از شروح مذاکرات در این خصوص توجه کنید:

امینی: «... بعد همین را ممکن است مجلس مورد بازخواست قرار بدهد: این رئیس جمهور را یا هر چه که، چرا این کار را کردی؟ چه حقی داشتی اختیاراتی که ما به تو داده بودیم این اختیارات را به دیگری واگذار کردی؟ برای یک منطقه‌ای مثل کردستان، گفتند: ما یک نفر را می‌خواهیم، بفرستیم تا اختیارات که مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آنجا را همه تحت نظرش باشد...».

عبدالله نوری: «... نمی‌تواند این کار را بکند؛ برای اینکه وزیر کشور می‌گوید: من مسائل امنیتی را نمی‌خواهم واگذار کنم؛ وزیر کشاورزی می‌گوید: من مسائل کشاورزی را نمی‌خواهم واگذار کنم...» (مجلس شورای اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۳۵-۱۱۳۶).

البته شرایط مقرر در اصل مذکور برای تعیین نماینده یا نماینده ویژه نیز کاملاً مشخص می‌کند که اعطای صلاحیت به نماینده ویژه در چارچوب تفویض اختیار، در حقوق اداری موضوع قرار می‌گیرد و از جنس و مقوله آن است؛ زیرا مطابق این اصل، اولاً رئیس جمهور فقط در حالات خاص، می‌تواند نماینده یا نمایندگان ویژه تعیین کند و تعیین چنین نماینده‌ای برای امور کلی و با اختیارات نامشخص، خلاف نص قانون اساسی است. ثانیاً، تعیین نماینده ویژه فقط در صورت ضرورت باید صورت گیرد. ثالثاً، تعیین آن باید به تصویب هیأت وزیران برسد (فتحی، ۱۳۹۲، ص ۶۲۷).

بنابراین، وضعیت تفویض اختیاری که رئیس جمهور و هیأت وزیران در نتیجه اجرای اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی اعمال می‌کنند واجد تمام شرایط و آثار پیش‌گفته درباره تفویض اختیار در حقوق اداری هست، بجز اینکه پس از مرگ، برکناری، استعفا یا اتمام دوره فعالیت مقام تفویض‌کننده (رئیس جمهور) این نوع تفویض اختیار پایان‌یافته تلقی می‌شود؛ چراکه صلاحیت تفویض شده در صورت وقوع هر یک از حالات مزبور، به شرطی باقی است که خدمات یا امور عمومی تعطیل شوند که این موضوع در خصوص پست نماینده ویژه جاری نیست؛ زیرا در این وضعیت، معاون اول رئیس و وزرای دولت سابق به انجام وظایف خواهند پرداخت.

در خصوص ماهیت اعمال نمایندگان ویژه، قابل ذکر است که نمایندگی ویژه رئیس جمهور، هم ممکن است در امور اداری باشد و هم در امور سیاسی، و هیچ معنی در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. همچنین به سبب آنکه تصمیمات نماینده ویژه در حکم تصمیم رئیس جمهور و هیأت وزیران است، در صورتی که تصمیمات اداری خلاف قانون بوده و یا خارج از حدود اختیارات باشد، می‌توان از آن شکایت کرد. این موضوع نظارت بر نماینده ویژه و تصمیمات آن را مطرح می‌کند که در بند بعدی بررسی می‌شود:

نظارت بر نماینده ویژه

اهمیت و لزوم اصل کلی «نظارت» بر کسی پوشیده نیست و از این رو، در موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم نیز موضوعاتی مانند «وضعیت فوق‌العاده»، «امور خاص» و «بر حسب ضرورت» نمی‌تواند توجیه‌کننده نبود لزوم نظارت بر نمایندگان ویژه باشد.

در نظام حقوق اساسی ایران، نظارت بر عملکرد رئیس جمهور و وزرا و سایر مسئولان دستگاه‌ها، منحصر به سؤال و استیضاح موضوع اصل هشتاد و هشتم و هشتاد و نهم قانون اساسی نمی‌شود و ابزارهای نظارتی دیگری برای مجلس شورای اسلامی وجود دارد؛ همچون: تذکر (موضوع ماده ۱۹۲ آیین‌نامه داخلی مجلس)، نظارت از طریق کمیسیون اصل نود، تحقیق و تفحص (اصل هفتاد و ششم قانون اساسی)، اظهار نظر همراه با مصونیت نمایندگان (اصول هشتاد و چهارم و هشتاد و ششم قانون اساسی)، کسب اطلاع و بررسی گزارش‌های عملکردی و نظارتی کمیسیون‌های تخصصی (موضوع بند ۵ ماده ۳۳ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) و نیز اعمال نظارت توسط دیوان محاسبات (موضوع اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم قانون اساسی) (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بی تا، ص ۱۰).

بر اساس اصل هفتاد و ششم قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». همان‌گونه که از سیاق اصل پیداست، این اصل به نحو مطلق، صلاحیت تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده است. از این رو، مجلس می‌تواند از این ابزار نظارتی خود برای نظارت بر نمایندگان ویژه بهره‌گیرد؛ چنان‌که شورای نگهبان در بند ۴-الف نظریه مشورتی شماره ۵۴۷۷، مورخ ۱۳۷۲/۸/۲۳ بر این موضوع تأکید کرده است: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور و در صورت لزوم، درخواست رسیدگی از قوه قضائیه را دارد. تحقیق و تفحص حقی برای مجلس است که جنبه نظارت اطلاعاتی دارد و در صورت ملاحظه تخلف مجریان، این اصل - فی نفسه - راه‌کاری برای ممانعت پیش‌بینی نکرده، بلکه صرفاً نتیجه تحقیق و تفحص به مجلس گزارش می‌گردد و جلوگیری از تخلف به گونه دیگری دنبال خواهد شد.

مطابق اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی، هر نماینده مجلس می‌تواند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. بسیاری از تذکرات شفاهی نمایندگان مجلس به دستگاه‌های اجرایی در این نطق‌ها صورت می‌گیرد. بر اساس اطلاق این اصل، نمایندگان حق اظهار نظر در خصوص امور تحت نظر نمایندگان ویژه رئیس جمهور را دارند و می‌توانند از این ابزارهای نظارتی، یعنی «تذکرات شفاهی به نمایندگان ویژه» استفاده کنند.

«تذکر کتبی به مقامات دولتی» یکی دیگر از ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی است که هرچند در قانون اساسی نیامده، اما در آیین‌نامه داخلی مجلس ذکر شده است. مطابق ماده ۱۹۲ آیین‌نامه داخلی، مجلس شورای اسلامی حق تذکر کتبی به رئیس جمهور و وزرا را دارد. نظر به قسمت اخیر اصل یکصد و بیست و هفتم، می‌توان نمایندگان ویژه رئیس جمهور را به‌طور غیرمستقیم مشمول این ماده دانست.

بر اساس اصل نود قانون اساسی، هر کس می‌تواند از طرز کار قوای سه‌گانه به کمیسیون اصل نود شکایت کند. نظر به اینکه نمایندگان ویژه رئیس جمهور زیرمجموعه قوه مجریه هستند، شکایت از طرز کار آنها در کمیسیون اصل نود امکان‌پذیر است. علاوه بر آن، با توجه به اینکه تصویب‌نامه انتصاب نمایندگان ویژه توسط هیأت وزیران از مصادیق «طرز کار قوه مجریه» است، می‌توان از تصویب‌نامه‌های مزبور نیز نزد کمیسیون مزبور شکایت برد.

طبق اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی، «دیوان محاسبات» کشور بر تمام وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، نظارت

مالی دارد. بر اساس این اصل، با عنایت به اینکه نمایندگان ویژه رئیس جمهور نیز مشمول عناوین مندرج در این اصل هستند، نظارت مالی دیوان محاسبات کشور شامل آنها نیز می‌شود.

همچنین نگاهی به اصل یکصد و هفتادم و یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی در خصوص «دیوان عدالت اداری» و همچنین ماده ۱۰ «قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» (مصوب ۱۳۹۲) در رابطه با صلاحیت دیوان، نشان می‌دهد نظارت دیوان عدالت اداری نیز شامل نمایندگان ویژه رئیس جمهور می‌شود. از این رو، می‌توان گفت: هر کس می‌تواند ابطال تصمیمات نماینده ویژه را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند؛ همچنین مردم می‌توانند شکایات خود از تصمیمات مذکور را به این دیوان ببرند.

البته با توجه به اینکه محدوده تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهوری در حوزه امور اجرایی است و برابر نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷، مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای نگهبان محدوده اصل ۱۲۷ شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساس‌نامه‌ها نمی‌شود و منحصراً شامل تصمیمات خواهد بود، و همچنین مطابق نظریه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶، مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان (با استظهار به اینکه اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی مربوط به امور اجرایی است، الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به رئیس مجلس خلاف قانون اساسی شناخته شد) ارسال تصمیمات نمایندگان ویژه به رئیس مجلس شورای اسلامی - که می‌توانست به‌عنوان یک مرجع نظارتی بر این تصمیمات قلمداد شود - وجود ندارد. اما طبق اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و نظرات متعدد این شورا، از جمله نظریه تفسیری شماره ۸۱/۳۰/۲۱۲۴، به تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲،^۱ «مصوبه هیأت وزیران در تعیین نماینده ویژه» به رئیس مجلس ارسال می‌شود تا چنانچه مغایر قوانین عادی باشد برای تجدید نظر، به هیأت وزیران بازگرداند.

البته ذکر این نکته ضروری است که طبق نظر دیگر شورای نگهبان به شماره ۵۴۷۷، مورخ ۱۳۷۲/۸/۲۲^۲، مجلس شورای اسلامی می‌تواند از رئیس جمهور و وزرا در خصوص وظایفی که قانوناً به عهده دارند و «به دیگری تفویض می‌کنند» (مانند تصمیمات نمایندگان ویژه) سؤال کند. بدین‌سان، صلاحیت نظارت سیاسی مجلس شورای اسلامی در خصوص تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهوری نیز قابل اعمال است، هرچند این نظارت «نظارتی غیرمستقیم» و از طریق رئیس جمهوری و وزارت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

رئیس جمهور و هیأت وزیران در برابر اقدامات نماینده یا نمایندگان ویژه مسئول هستند (فرجی، ۱۳۸۵، ص ۴۴). برای مثال، اگر رئیس جمهور یکی از استانداران را نماینده ویژه خود در امر خاصی قرار دهد و نماینده ویژه نتواند وظایف محول شده را به درستی انجام دهد یا تخلفی صورت بگیرد، آیا وزیر کشور مسئول است یا رئیس جمهور؟

نمونه چنین ابهامی در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۳/۱۰ مجلس شورای اسلامی (دوره چهارم) به وجود آمد که طی آن یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی (آقای بوالفتح) به سبب تخلفی که استاندار لرستان کرده بود، از وزیر کشور وقت با استناد به اصل هشتماد و هشتم قانون اساسی سؤال کرده بود، و حال آنکه وزیر کشور و برخی از نمایندگان معتقد بودند استاندار در امر مزبور، به‌عنوان نماینده رئیس جمهور اقدام کرده است، نه به‌عنوان استاندار. به نظر می‌رسد از آن رو که ذیل اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی تصمیمات نماینده ویژه را در حکم تصمیم رئیس جمهور و هیأت وزیران می‌داند، رئیس جمهور و هیأت وزیران مسئولند، نه نمایندگان ویژه. نماینده ویژه در قبال اقداماتی که انجام می‌دهد، در مقابل مجلس پاسخگو نیست، ولی مجلس می‌تواند در موضوعاتی که تخلفی به وجود آمده و یا سایر مسائل، رئیس جمهور و یا هیأت وزیران را با استناد به اصول هشتماد و هشتاد و نه قانون اساسی بازخواست کند (دولت رفتار و آقایی طوق، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷). علاوه بر این، همان‌گونه که در خصوص شرایط و آثار تفویض اختیار بیان شد، تفویض اختیار سبب سلب مسئولیت از مقام تفویض‌کننده اختیار نمی‌شود و این مقام باید همواره بر اجرای صحیح کارها نظارت کند (فتحی، ۱۳۹۲، ص ۶۲۷).

محاسن سپردن امور به نماینده ویژه

سپردن امور به نماینده ویژه در بسیاری از جاها گریزناپذیر است. برخی از امور دارای ماهیت فراوزارت‌خانه‌ای هستند که سپردن آنها به یک وزارت‌خانه موجب اختلال در امور می‌گردد. این‌گونه امور نیاز به نهادی فراتر از وزارت‌خانه‌ها دارند تا با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این حوزه‌ها، وزارت‌خانه‌های مرتبط را هماهنگ سازند و امکانات آنها را برای انجام امور مذکور بسیج نمایند. از این رو، جایگاه نمایندگان ویژه رئیس جمهور به‌عنوان نهادی فراوزارت‌خانه‌ای بهترین جایگاه برای چنین اموری به‌شمار می‌آید.

تمرکز در امور اجرایی، سرعت و هماهنگی در اتخاذ و اجرای تصمیم و وحدت و یگانگی در امور اجرایی از محاسن سپردن امور به نمایندگان ویژه به جای وزیر است.

در دوران پیش از بازنگری، گاهی پیش می‌آمد که در یک استان یا منطقه خاصی لازم بود اقداماتی برای بهبود امور صورت گیرد؛ زیرا اقدامات مزبور دخالت همزمان چند وزارت‌خانه را می‌طلبد و در عمل، موجب می‌شد دولت نتواند در فرصت مناسب، کاری از پیش ببرد. این یکی از مشکلات اجرایی کشور در دوران پیش از بازنگری قانون اساسی بود که در شورای بازنگری سعی شد برطرف شود. با توجه به اینکه اصول قانون اساسی اجازه تفویض اختیارات را به رئیس جمهور نداده و ممکن بود رئیس جمهور یک نماینده تام‌الاختیار تعیین کند و این نماینده یک تصمیم اساسی بگیرد و این تصمیم به مجلس برود و مجلس بازخواست کند که چرا رئیس جمهور اختیاراتی را که مجلس به او داده به دیگری واگذار نموده است، تردیدی در نیاز به این اصل وجود ندارد. وجود چنین مفید است و عدمش دست‌کم یک سلسله ابهامات را به وجود می‌آورد.

معایب سپردن امور به نماینده ویژه

سپردن امور به نمایندگان ویژه در کنار محاسنی که دارد، با معایب متعددی مواجه است:

در سال‌های اخیر، شاهد بودیم برخلاف شرایط مصرح در اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی، در موضوعاتی گوناگون و در حیطه شرح وظایف قانونی وزارت‌خانه‌ها، نمایندگان ویژه رئیس جمهور تعیین شده‌اند. نمونه بارز آن تعیین نمایندگان ویژه در زمینه‌های حساس امور خاورمیانه، آسیا و آفریقا بوده است. صرف‌نظر از تداخل وظایف این نمایندگان با ادارات گوناگون وزارت امور خارجه، هیچ‌گونه مورد خاص و ضرورتی برای این انتصابات دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد این نمایندگان مأموریت درازمدت داشته باشند.

دغدغه اصلی در انتصاب نمایندگان ویژه رئیس جمهور فقدان تخصص و تجربه کافی در برخی از آنان است که قطعاً موجب بروز مشکلاتی خواهد شد و موضوع حکم به «لزوم هماهنگی کلی دستگاه‌های متولی این امور با نمایندگان ویژه در حوزه‌های مربوط» موجب اخلال در امور خواهد شد.

دخالت افراد مذکور به‌عنوان نماینده ویژه سبب خواهد شد امکان نظارت مستقیم بر تصمیمات و فعالیت‌های آنان نیز سلب شود و وزیر امور خارجه نیز طبیعتاً می‌تواند مدعی شود مسئولیتی در قبال اقدامات و تصمیمات آنان ندارد.

متأسفانه این پدیده به رویه جاری دولت تبدیل گردیده است، به‌گونه‌ای که برای هر موضوع عادی و اجرایی شاهد انتصاب نمایندگان ویژه رئیس جمهور هستیم؛ مثلاً، چندین کارگروه دائمی متشکل از نمایندگان ویژه رئیس جمهور ایجاد شده است؛ از جمله:

- کارگروه توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت؛
- کارگروه طرح‌های تحول اقتصادی.

تصمیمات بیشتر این نمایندگان ویژه نیز در امور جاری و در قلمرو صلاحیت وزارت‌خانه‌هاست. برای نمونه، می‌توان به چند نمونه از تصمیمات این نمایندگان ویژه طی چند ماه گذشته اشاره کرد:

- تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در خصوص تعیین تعرفه گاز؛
- تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در خصوص تعیین تعرفه برق؛

- تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در خصوص الزام نصب بخاری در جا با اولویت تولید داخل برای تمام کامیون‌های سنگین.

آیا مسائلی همچون نصب بخاری در کامیون، از مصادیق «موضوعات خاص» و «ضروری» محسوب می‌شود که نیاز به مداخله نمایندگان ویژه رئیس جمهور داشته باشد؟

نتیجه‌گیری

طبق اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند در موضوعات خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. بنابراین، سه شرط اساسی انتصاب نماینده ویژه رئیس جمهور عبارتند از: در موضوعات خاص؛ بر حسب ضرورت؛ با اختیارات مشخص.

از این رو، به نظر می‌رسد تشکیل کارگروه‌های گوناگون به‌منظور اتخاذ تصمیمات از سوی دولت فاقد وجهت قانونی بوده و با شرح وظایف قانونی دستگاه‌های اجرایی در تعارض است.

انتصاب نمایندگان متعدد از سوی رئیس جمهور برای امور جاری دستگاه‌های اجرایی و واگذاری وظایف و اختیارات ذاتی وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها به نمایندگان ویژه مغایر قانون اساسی است. از این رو، به‌منظور جلوگیری از اختلاط احتمالی وظایف و اختیارات وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی با حدود اختیارات نمایندگان ویژه، رئیس جمهور و هیأت وزیران باید توجه و اهتمام خاصی به این موضوع داشته باشند.

این نمایندگان ویژه برخلاف وزیران، در مقابل مجلس یا هر نهاد دیگری پاسخگو نیستند و این موضوع قانون‌گریزی نظام اداری را تشدید کرده است. مسلماً وجود ضرورت لازمه این امر است و نباید نمایندگی ویژه، خود مرکزی جایگزین و یا در مقابل وزارت‌خانه‌ها و یا نهادهای قانونی محسوب گردد. همچنین دامنه آن باید محدود و منحصر به موارد ضروری مشکلات اجتماعی و اجرایی خاص نظیر وقایع اجتماعی و معضلات ویژه باشد.

از سوی دیگر، به زعم نگارندگان، باید نمایندگان ویژه به لحاظ شخصی، دارای ویژگی‌هایی باشند: - پرونده‌های خاص محول شده به آنان تنها شغل آنها محسوب می‌شود تا بتوانند به صورت تمام‌وقت، پیگیر آن باشند.

- تناسبی میان سابقه و تخصص نمایندگان ویژه با حوزه اقدام آنان وجود داشته باشد و از ورزیدگی دیپلماتیک برخوردار باشند.

- نمایندگان ویژه، به‌ویژه در مسائل حساس، باید از پشتوانه اجماع داخلی برخوردار باشند، به‌گونه‌ای که از یک‌سو، اقدامات، مواضع و ابتکارهای نمایندگان ویژه از سوی نخبگان سیاسی داخلی تأیید شود، و از سوی دیگر، کشورهای خارجی نیز با توجه به تعهدات و عملکرد، آنان را قابل اعتماد و قابل مذاکره بدانند.

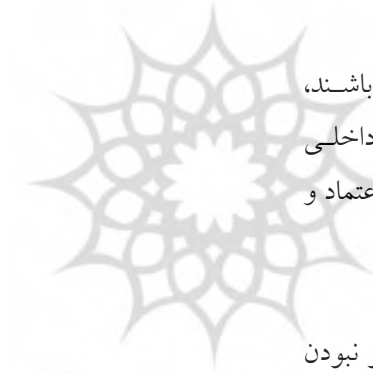
- نهایت آنکه مراکز اصلی تصمیم‌گیری کشور نسبت به آنها اعتماد داشته باشند.

مهم‌ترین مشکل نمایندگان ویژه فقدان مسئولیت مستقیم آنان در برابر مجلس و پاسخ‌گو نبودن آنهاست. مجلس از ابزارهای نظارتی خود مانند سؤال و استیضاح، نمی‌تواند در خصوص، بوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی نمایندگان ویژه استفاده کند. مسئولیت اعمال نمایندگان ویژه به عهده رئیس جمهور و هیأت وزیران است و نظارت مجلس در خصوص این نهاد، باید بر رئیس جمهور و هیأت وزیران صورت گیرد. نظارت بر رئیس جمهور از سوی مجلس نیز به سبب داشتن بار سیاسی انجام نمی‌شود. به سبب وجود این مشکلات، شاید بهتر باشد حوزه مجاز برای تعیین نمایندگان ویژه رئیس جمهور به صورت مضیق تفسیر شود.

از سوی دیگر، وضع قوانین عادی منجر به اعمال محدودیت برای تحقق اهداف اصل - آن هم در موقعیت اجرای موضوعی که با شرایط خاص و مسائلی ضروری مطرح شده است - می‌شود و ممکن است نه تنها راه‌گشا نباشد، بلکه خود بن‌بست دیگری ایجاد کند. نیز بررسی نمونه‌هایی از احکام انتصابی روشن می‌سازد که وضع قوانین عادی در خصوص اصل یکصد و

بیست و هفتم قانون اساسی، می‌تواند به کارکرد بهتر این سمت کمک کند. برخی نکات را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از موضوعات قوانین عادی یاد کرد؛ از جمله: تعیین مقامی که از حیث مغایرت نداشتن تصمیمات نماینده ویژه با قوانین عادی و مصوبات هیأت وزیران، دارای «نظارتی مستقیم» باشد؛ و الزام قانونی هیأت وزیران به بررسی و جلوگیری از اختلاط احتمالی وظایف دستگاه‌های گوناگون با حدود اختیارات نماینده ویژه.

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که وضع قوانین عادی می‌تواند منجر به عملکرد بهتر نهاد نمایندگی ویژه شود و نمی‌توان به‌طور کلی و مطلق، ادعا کرد که «اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی نیاز به قانون عادی ندارد و وضع هرگونه قانون موجب محدودیتی دیگر می‌شود» (مدنی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۷).



پژوهش‌های بوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی

- امامی، محمد و کورش استوارسنگری، ۱۳۸۶، *حقوق اداری*، تهران، میزان.
- انصاری، ولی الله، ۱۳۸۶، *کلیات حقوق اداری*، چ هفتم، تهران، میزان.
- دولت رفتار، محمدرضا و مسلم آقایی طوق، ۱۳۹۲، *وظایف و اختیارات رئیس جمهور در حقوق اساسی ایران*، تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- رضائی زاده، محمدجواد، ۱۳۸۵، *حقوق اداری (۱)*، تهران، میزان.
- سنجایی، کریم، بی تا، *حقوق اداری ایران*، تهران، مهرآیین.
- شریف، محمد، ۱۳۸۳، «تحلیل اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش حقوق عمومی*، ش ۱۳، ص ۹۳-۱۱۰.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۸۳، *حقوق اداری*، چ نهم، تهران، سمت.
- فتحی، یونس، ۱۳۹۲، «جایگاه نمایندگان ویژه ریاست جمهوری در حقوق اساسی ایران»، در: *مجموعه مقالات اولین همایش ملی قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی رئیس جمهور.
- فرجی، محمد، ۱۳۸۵، *حقوق اساسی*، تهران، طرح نوین اندیشه.
- لطفی، حسن، ۱۳۹۲، «ضوابط تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه و معاونان رئیس جمهور»، در: *مجموعه مقالات اولین همایش ملی قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی رئیس جمهور.
- مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۹، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی.
- مدنی، سیدجلال الدین، ۱۳۷۵، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چ چهارم، تهران، همراه.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بی تا، *نحوه پاسخگویی سیاسی معاونان رئیس جمهور در نظام حقوق اساسی ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- _____، ۱۳۹۰، *نگاهی به ابعاد حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ پیرامون جایگاه و حوزه صلاحیت قوه مجریه*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مهرپور، حسین، ۱۳۷۱، *مجموعه نظریات شورای نگهبان*، تهران، کیهان.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ هجدهم، تهران، میزان.
- یزدی، محمد، ۱۳۷۵، *قانون اساسی برای همه*، تهران، امیرکبیر.

۱. «اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی مربوط به امور اجرایی است و شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات است. بنابراین، تبصره الحاقی ماده ۲۹، که مقرر کرده است تفویض اختیار دولت موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس جمهور محدود به امور اجرایی است، وافی به مقصود است، لکن تصویب‌نامه هیأت وزیران، که طی آن نماینده یا نمایندگان با اختیارات مشخص تعیین می‌نماید، از مصادیق تصویب‌نامه ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و لازم است این تصویب‌نامه‌ها ضمن ابلاغ، برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بداند با ذکر علت، برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.
۲. نظریه مشورتی شماره ۵۴۷۷ مورخ ۱۳۷۲/۸/۲۲ شورای نگهبان: «مجلس شورای اسلامی می‌تواند از رئیس جمهوری یا وزرا صرفاً در خصوص وظایفی که قانوناً بر عهده دارند و به دیگری تفویض کرده‌اند، سؤال کند، البته اگر مجلس مستقیماً کاری را بر عهده غیر رئیس جمهوری و وزیر بگذارد حق سؤال در این مورد را از رئیس جمهوری یا وزیر ندارد؛ کما اینکه حق سؤال از مسئول مزبور را نیز ندارد، اگرچه حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور و در صورت لزوم، درخواست رسیدگی از قوه قضائیه را دارد».

